مشکلات تکراری آموزش و پرورش ادامه دارد

گروکشی کارنامه تا معطل ماندن طرح معافیت مدارس از پرداخت قبوض آب و برق

■ سعید درویشی

خردادماه هرسال برای دانش‌آموزان، والدین و مدیران مدارس ماه خاصی است؛ ابتدای آن آغاز فصل امتحانات است و پایان آن زمان دریافت کارنامه و البته شروع دوباره ثبت‌نام مدارس. اما هرسال شاهد هستیم که با آغاز سال تحصیلی مصاحبه‌های روتینی از مطرح‌ترین چهره سال تحصیلی، یعنی وزیر آموزش و پرورش وقت در رسانه‌ها منعکس می‌شود. مهم‌ترین محور این مصاحبه‌ها، غیرقانونی بودن دریافت وجه در مدارس دولتی، تحت عناوینی چون «شهریه» یا «کمک به هزینه‌های جاری مدارس» و بهانه‌هایی از این دست است. گرچه سال گذشته بالاخره وزیر آموزش و پرورش بخشی از این حقیقت نهان را عیان کرد و با اشاره به کمبود بودجه وزارتخانه متبوعش، بصورت تلویحی اعتراف کرد که اگر کمک‌های مردمی به مدارس نباشد، رسماً قمر آموزش و پرورش در عقرب بی‌پولی حلول خواهد کرد!

اما چرا مدارس دست به چنین اقدامی می‌زنند؟ چرا هرسال وزارت آموزش و پرورش قول برخورد با مدیران متخلف را می‌دهد اما پشت‌پرده از چنین اقداماتی حمایت می‌کند؟

پول بده، کارنامه بگیر

سال ۸۸ بود که برخی رسانه‌ها از شیوه جدید مدارس برای تامین هزینه‌های خود خبر دادند؛ گروکشی کارنامه در برابر کمک به مدرسه! از همان سال مسئولان وقت آموزش و پرورش این‌کار را ممنوع اعلام کردند، ولی با گذشت چند سال از آغاز این رویه نادرست بازهم بسیاری از مدیران مدارس اعلام کرده‌اند که دریافت کارنامه با کمک اجباری به مدرسه میسر است.

برخی مدیران مدارس درباره چرایی رایج شدن چنین کاری می‌گویند: «مدرسه خرج دارد و بودجه دولتی نیز جوابگوی همه هزینه‌ها نیست. هر مدرسه‌ای یک هزینه جاری ماهیانه دارد که باید تامین شود. اگر این هزینه‌ها با کمک مردم و خیران تامین نشود مطمئن باشید آموزش در کشور دچار مشکلاتی می‌شود. ما مجبور هستیم برای تامین هزینه‌های جاری از والدین درخواست کمک کنیم. اگر آنها به کمک ما نیایند که دچار مشکلات زیادی می‌شویم.»

در این میان برخی مدیران مدارس به صورت شفاف از مشکلات خود می‌گویند. آنها می‌گویند تمام هزینه‌های جاری مدارس از جمله هزینه قبوض آب و برق و گاز و تلفن و ایضاً سایر هزینه‌ها از محل جمع‌آوری همین شهریه‌ها تامین می‌شود و مدعی‌اند که سرانه و بودجه مدرسه اگر هم پرداخت شود دیر هنگام است و حکایت نوشداروی پس از مرگ سهراب را دارد!

به گفته مدیرمدرسه‌ای در شهر تازه تاسیس پردیس، سرانه‌ای که باید در ابتدای سال به مدارس تخصیص یابد معمولا یا پرداخت نمی‌شود و یا بخش ناچیزی از آن در پایان سال تحصیلی به برخی مدارس اختصاص می‌یابد.

حامل‌های انرژی؛ قصه پرغصه مدارس

آذرماه سال گذشته بود که وزیر آموزش و پرورش با اشاره به کمبود بودجه این وزارتخانه و مشکلاتی که برخی از مدیران مدارس در پرداخت قبوض خود دارند، عنوان کرد: برخی از مدیران مدارس به ناچار از خانواده‌ها مطالبه کمک دارند.

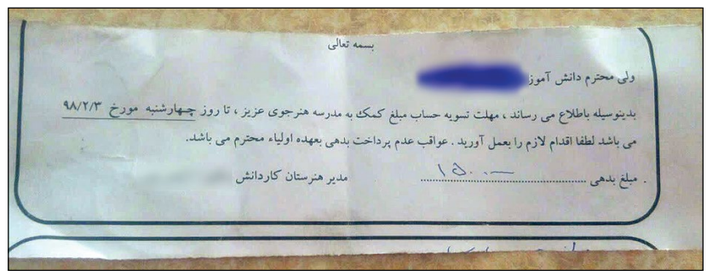
بسمه تعالی
ولی محترم دانش آموز [redacted]
بدینوسیله باطلاع می رساند ، مهلت تسویه حساب مبلغ کمک به مدرسه هنرجوی عزیز ، تا روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۲/۳ می باشد لطفا اقدام لازم را بعمل آورید . عواقب عدم پرداخت بدهی بعهده اولیاء محترم می باشد.
مبلغ بدهی ۱۵۰۰۰۰۰
مدیر هنرستان کاردانش

به گفته مسئولان این وزارتخانه پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، هزینه انرژی مدارس چند برابر شده است و این وزارتخانه اعتباراتی برای جبران این هزینه‌ها در نظر نگرفته است.

همه این موارد زمینه‌ساز تصویب قانونی برای حل این معضل شد. اول اسفند ۹۷ نمایندگان مجلس در جریان بررسی جزئیات بخش درآمدی لایحه بودجه سال ۹۸ کل کشور موافقت کردند که هزینه‌های آب، برق و گاز مدارس با رعایت الگوی مصرف رایگان شود.

تصمیمی که از همان ابتدا با مخالفت دولت مواجه شد. پنج روز بعد از تصویب این الحاقیه، وزیر نیرو گفت: علیرغم این‌که قرار شده بود آب و برق مدارس به دلیل سیاست‌های مدیریت وزارت نیرو اجرایی نشود، اما متأسفانه در صحن مجلس شورای اسلامی این مسئله تغییر کرد و ما شاهد بودیم که آب و برق برای مدارس رایگان شد.

رضا اردکانیان با اعلام اینکه این وزارت‌خانه مدیریت توأمان عرضه و تقاضا را در دستور کار خود قرار داده، گفت: گرچه رایگان‌کردن آب و برق مدارس می‌تواند کمک‌رسان بودجه آموزش و پرورش باشد، اما باید به این مسئله توجه کرد که این موضوع هزینه گزافی را به کل کشور تحمیل می‌کند، به همین دلیل نیز علیرغم گرفتاری‌های مالی که داشتیم، به وزارت آموزش و پرورش پیشنهاد دادیم که منبع مورد نیازشان را خودمان تأمین کنیم.

این مخالفت‌ها در حالی است که در قانون بودجه سال ۹۷ هم باید رایگان شدن حامل‌های انرژی اجرایی می‌شد ولی به علت عدم تدوین آئین‌نامه این قانون از سوی دو وزارت‌خانه نیرو و آموزش‌وپرورش اجرایی نشد.

به گفته سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، مشکل کنونی مدارس به دلیل بدهی سال‌های قبل آنها نسبت به هزینه‌های آب و برق و گاز و پیش از تصویب قانون معافیت مدارس از پرداخت این قبوض است. قانون معافیت مدارس از پرداخت پول آب و برق و گاز مربوط به بودجه سال ۹۷ بود و از فروردین تا پایان اسفند آن‌سال قابل محاسبه بود.

این قانون علیرغم تاکید مجلس و مسئولان بر اجرای آن در سال گذشته اجرا نشد و علیرغم اینکه برای سال ۹۸ هم به تصویب رسیده اما تاکنون از اجرای آن خبری نیست.

به گفته معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش، سال گذشته قانون معافیت ۱۰۰ میلیاردی مدارس از پرداخت بهای آب و برق و گاز مصرفی تصویب شد، ولی این تنها بخشی از هزینه حدود ۴۵۰ میلیارد تومان بابت آب و برق و گاز مصرفی مدارس است که تاکنون نیز اجرایی نشده است. یعنی ۳۵۰ میلیارد باقی‌مانده باید توسط خود سیستم آموزشی کشور تامین شود.

مدارس معطل یک آئین‌نامه هستند

طبق متن قانون بودجه ۹۷ کل کشور، کلیه مدارس دولتی وزارت آموزش و پرورش به شرطی از هزینه‌های مصرفی آب، برق و گاز معاف هستند که سقف الگوی مصرف را رعایت کنند و چنانچه مصارف واحد آموزشی مشمول در یک دوره بیش از الگوی تعیین شده باشد، کل مصرف آن دوره کماکان مشمول پرداخت هزینه مصرفی خواهد شد. هم‌چنین طبق این مصوبه سقف الگوی مصرف طی دستورالعملی توسط وزارتخانه‌های نیرو و نفت تدوین و اجرا می‌شود.

عین همین متن در بودجه سال ۹۸ نیز تکرار شده است؛ یعنی از بهمن‌ماه سال ۹۶ که این قانون به تصویب مجلس رسیده تاکنون هیچ آئین‌نامه‌ای برای اجرایی شدن آن تدوین نشده است. همین موضوع باعث شده تا مدارس کماکان برای تامین این هزینه‌ها به خانواده‌ها فشار بیاورند. این عدم تدوین آئین‌نامه اجرایی هم بیشتر به اختلاف دو وزارت‌خانه آموزش و پرورش و نیرو باز می‌گردد.

وزیر نیرو درباره چرایی عدم اجرای قانون رایگان شدن هزینه آب و برق و گاز مدارس گفته بود: این قانون مانند هر تصمیم دیگری نیازمند نهایی شدن و تصویب آیین نامه اجرایی آن در هیئت دولت است. تدوین آیین نامه اجرایی در دستور کار دولت است و امیدوارم هر چه زودتر این اتفاق بیفتد. امیدی که با گذشت ماه‌ها همچنان معطل مانده است!

این بلاتکلیفی در شرایطی است که مدارس بارها از سوی ادارات مربوطه تهدید به قطع انشعاب شده‌اند و دولت نیز از پرداخت به موقع سرانه مدارس خودداری می‌کند.

مسئولان وزارت آموزش و پرورش بارها اعلام کرده‌اند که علیرغم رشد ۲۵ درصدی بودجه این وزارت‌خانه در لایحه بودجه ۹۸ اما باز از آن رضایت ندارند، چون ۹۴ درصد بودجه مصوب را باید صرف هزینه‌های اجتناب ناپذیر ـ که عمدتا حقوق و دستمزد فرهنگیان و کارکنان آموزش و پرورش را در بر می‌گیرد ـ کنند. یعنی با ۶درصد باقی‌مانده نباید مردم انتظار هر اقدامی را از این وزارت‌خانه داشته باشند.

این وضعیت یعنی بودجه ناکافی برای هزینه‌های جاری، عدم تمایل وزارت نیرو برای اجرای قانون رایگان شدن هزینه آب و برق و گاز مدارس و از سوی دیگر مسئولیت مدیران مدارس برای تامین حداقل‌های استاندارد برای حضور یک دانش‌آموز در مدرسه سبب شده تا گرفتن پول از خانوده‌ها برای تامین هزینه‌های جاری به یک قانون نانوشته تبدیل شود. قانونی که از سویی مدارس از سرناچاری مجبور به اجرای آن هستند و از سویی بسیاری از خانواده‌ها به علت شرایط اقتصادی موجود توان آن را ندارند و به گفته برخی والدین این ناتوانی سبب بروز اختلافات گسترده در خانواده‌ها شده است.

طرفداری از ۲ طرف ماجرا!

اما آنچه در این میانه هم اولیا و هم مدیران مدارس را سردرگم می‌کند موضع دوپهلوی مسئولان وزارت آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش از سویی به اولیای دانش‌آموزان می‌گوید دریافت شهریه توسط مدارس غیرقانونی است، از سوی دیگر به مدیران مدارس می‌گویند به هر طریقی شده از اولیای دانش‌آموزان کمک دریافت کنید! متاسفانه این رویه سبب ایجاد گره‌های کور در دل این معضل می‌شود و خانواده‌ها در الزام کمک کردن دچار تردید و تشکیک می‌شوند!

گویا امسال هم علیرغم وعده مسئولان هزینه حامل‌های انرژی باید توسط خود مدارس تامین شود و به گفته برخی مدیران مدارس از سرانه دانش‌آموزی هم خبری نیست. معضلی که امسال و باتوجه به تشدید مشکلات اقتصادی جامعه به معضلی گسترده‌تر از سال‌های گذشته تبدیل خواهد شد.

بازهم سکته مدیریتی در آموزش و پرورش

این روزها در لابلای خبرهای مختلف از کمبودها و تداوم مشکلات بودجه‌ای آموزش و پرورش یک اتفاق مهم در این حوزه توجهات را به خود جلب کرد. استعفای عجیب وزیر آموزش و پرورش که علت آن قصد وی برای شرکت در انتخابات مجلس اعلام شد و البته بسیاری از صاحب‌نظران علت واقعی را در جای دیگر دانستند شوک بزرگی بر پیکره مهم‌ترین وزارتخانه کشور وارد نمود.

برخی معتقدند که راه نیامدن دولت با وزیر مستعفی در تأمین بودجه لازم آموزش و پرورش و در نتیجه عقیم ماندن وعده‌های مطرح شده برای بهبود شرایط معلمان و سیستم آموزشی کشور اصلی‌ترین علت این استعفا بوده است. حال باید دید دولت و در نهایت مجلس برای جانشینی وزیر مستعفی چه فکری خواهند کرد و آیا حساسیت‌ها و اهمیت این وزارت خانه کلیدی و اعتقاد به تأمین و تجهیز همه‌جانبه آن در انتخاب جدید لحاظ خواهد شد یا باز در بر روی همان پاشنه می‌چرخد.

گروه زبان انگلیسی دفتر تالیف کتب درسی به هنگام تالیف کتاب‌های درسی فقط ۶ صفحه از مجموع ۱۶۸ صفحه کتاب درسی و کتاب کار پایه دوازدهم را به بخش شنیداری و گفتاری اختصاص داده است و تمام فایل‌های صوتی پایه دوازدهم پنج دقیقه و دو ثانیه (سیصد و دو ثانیه) است، اما در تدوین شیوه نامه آزمون نهایی، بدون توجه به اعتراضات دبیران و دانش آموزان، سهم ۳۰ درصدی از آزمون را برای این بخش لحاظ کرده است. این صرفا به قصد افتخار این گروه به برگزاری آزمون شنیداری بوده و برای پایین آوردن صدای اعتراض، دست به فاجعه‌ای بدتر زده‌اند و آن این که سطح دشواری آزمون را بسیار پایین آورده‌اند؛ سه نمره از ۶ نمره بخش شنیداری به گونه‌ای تنظیم شده که برای پاسخگویی هیچ احتیاجی به شنیدن فایل صوتی نیست و اصولا ارزشیابی شنیداری محسوب نمی‌شود و سه نمره دیگر آن نیز آنقدر آسان طرح شده است که به یقین پایین ترین سطح دشواری در تاریخ آزمون‌های نهایی کشوری را به خود اختصاص می‌دهد.

عمران نوری

سنگ بنایی جدید در بی‌عدالتی آموزشی با امتحان نهایی درس زبان انگلیسی پایه دوازدهم

اعتراض به امتحانات نهایی دبیرستان پدیده جدید یا عجیب نیست. در سال‌های گذشته خصوصا در سال ۱۳۹۵ که آخرین آزمون نهایی با کتاب‌های قدیمی برگزار شد، دانش‌آموزان در اکثر درس‌ها همچون زیست شناسی، فیزیک، شیمی، عربی و حتی دینی به دشواری آزمون‌ها و وجود سؤالاتی خارج از کتاب درسی انتقادات بسیاری را وارد کردند. در پاسخ نیز مسئولان اشتباه دانش آموزان در مطالعه جزوات کمک آموزشی به جای کتاب‌های درسی و وجود سطح‌بندی سؤالات از ساده به دشوار را مورد تاکید قرار دادند.

آزمون زبان انگلیسی خرداد ماه امسال بر اساس کتاب جدید و با لحاظ کردن ۶ نمره شنیداری از ۲۰ نمره خرداد، اما شکل متفاوتی از اعتراضات دبیران و دانش‌آموزان را در پی داشت. بنا به اظهارات بسیاری از دبیران، این سبک از ارزشیابی و برگزاری آزمون نهایی زبان علاوه بر آنکه غیر علمی وغیر کارشناسی است - به دلیل فقدان زیر ساخت‌ها و وجود ناهماهنگی‌های ساختاری - در آینده نزدیک و شاید برای سال‌ها، چالش جدیدی از بی‌عدالتی آموزشی را نیز ایجاد خواهد کرد.

با اعلام خبر تغییر کتاب‌های درسی و ادعای دست اندرکاران مبنی بر تالیف کتاب‌های درسی بر اساس نوآوری‌های آموزش زبان در دنیا، بارقه‌هایی از امید برای تحول درسی در بدنه آموزش و پرورش ایران شکل گرفت. کتاب‌های زبان انگلیسی با نام‌های Prospect در دوره متوسطه اول و Vision در دوره متوسطه دوم تالیف شدند، اما هر چه پیش آمدیم فاصله ادعا و اقدام عملی بیشتر و بیشتر شد و حتی همان محتوای ضعیف و سطح پایین صوتی هم به شکل رسمی به دانش آموزان تحویل نشد و این به آن معنی است که محتوای شنیداری و گفتاری بخشی رسمی از آموزش نیست زیرا عملا به دست دانش آموزان نرسیده است و دسترسی دانش آموزان به محتوای شفاهی، محدود شده است به بارگذاری فایل‌های صوتی توسط معلم از سایت دفتر تالیف و یا سایت چند ناشر کتاب‌های کمک آموزشی که مورد حمایت دفتر تالیف بودند و هستند و البته آن هم نه در همه موارد؛ در بسیاری از موارد اصولا بخش شفاهی در سایه بوده است. نقدهای اساسی از سوی دبیران زبان بر کتاب‌های جدید و فایل‌های صوتی آن وارد است؛ به هنگام اعتبارسنجی کتاب‌ها نیز کمترین توجهی به نظرات دبیرانی که کتاب‌ها را اعتبارسنجی کردند، نشد.

بلاتکلیفی معلم و دانش آموز

امسال با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی سال تحصیلی و آزمون نهایی خرداد، اطلاعیه‌ها و دستورالعمل‌هایی از سوی دفتر تالیف و مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی آموزش و پرورش صادر شد که با گذشت ایام نگرانی‌هایی را در رابطه با چگونگی برگزاری آزمون نهایی در میان دانش آموزان و دبیران ایجاد کرد. عدم برگزاری دوره‌های توجیهی و یا ضمن خدمت نیز سبب تشدید این وضعیت شد. مطابق شیوه‌نامه پیشین که امتحان نهایی دی ماه ۱۳۹۷ بر آن اساس به عمل آمد، آزمون حاوی ۸ نمره شفاهی (شامل ۴ نمره گفتاری، ۴ نمره شنیداری) و۱۲ نمره کتبی بود. آزمون گفتاری به این شکل بود که فایل صوتی در سر جلسه امتحان پخش شده و دانش آموزان با شنیدن آن، به سؤالات پاسخ مکتوب دهند! این شکل جدید از آزمون(گفتاری) کاملا غیر استاندارد بوده واحتمالا در هیچ جای عالم نمونه و مشابهی نداشت. با پیگیری‌های سرگروه‌های درسی استان‌ها، تغییرات و اصلاحاتی مختصر و البته ناکافی در آن اعمال شد. در شیوه نامه جدید، عنوان گفتاری از آزمون حذف شد و در نمره مستمر منظور گردید.

نمره شنیداری نیز از ۴ نمره به ۶ نمره تغییر یافت که به این ترتیب ۱۲ نمره کتبی نیز تبدیل به ۱۴ نمره شد. بلاتکلیفی و ابهام در مورد نحوه برگزاری آزمون به دلیل تصمیم‌ها و دستورالعمل‌های لحظه ای، حتی تا شب امتحان نیز در میان بعضی معلمان و دانش‌آموزان ادامه داشت!

برخی از ایرادهای آزمون نهایی درس زبان انگلیسی پایه دوازدهم در خرداد ۱۳۹۸:

۱) عدم تناسب بین محتوای شفاهی کتاب دوازدهم و سهم آن در آزمون نهایی

۲) تصمیم غیرکارشناسی برای گنجاندن بخش شنیداری در آزمون بدون ایجاد زیرساخت‌های سخت افزاری لازم

۳) کیفیت بسیار پایین فایل صوتی از لحاظ تلفظ، لحن و لهجه

۴) کیفیت بسیار پایین بلندگوهای حوزه‌ها و نامفهوم بودن صدا

۵) بهره‌گیری رایگان از حضور دبیران زبان انگلیسی در حوزه‌ها بدون داشتن ابلاغ حضور که خود تخلفی آشکار است و این که دبیر زبان هر مدرسه‌ای در حوزه امتحان دانش آموزان خود حضور داشته باشد، خود بدعتی نامیمون است که ماهیت عدالت آزمون را زیر سؤال می‌برد

۶) وجود ایرادهای متعدد در کلید سؤالات به علت دو پهلو و اشتباه بودن خیلی از سؤالات آزمون به گونه‌ای که بعد از چند روز هنوز مصححین بلا تکلیف هستند و هر استانی برای خود تصمیمی گرفته است که چگونه برگه‌ها تصحیح شود در حالیکه نمره این آزمون مستقیما بخشی از سوابق علمی دانش آموزان در کنکور است.

۷) دو متن از سه متن بخش شنیداری قبلا به عنوان بخشی از کتاب درسی در اختیار دانش‌آموزان بوده است و وقتی دانش آموز متن را از قبل حفظ است دقیقا معادل لو دادن آن بخش از سؤالات است یعنی دو سوم این بخش را از قبل اعلام شده که این‌ها سؤال آزمون نهایی هستند موضوعی که حتی در سطح آزمون مدرسه هم نزد معلم‌ها قبیح است.

ایرادهای ساختاری

تغییرات عمیق و گسترده در روش‌ها یا رویکردهای آموزشی، بی‌شک نیازمند اصلاح ساختارها و فرایندها و همچنین تقویت نگرش سیستمی در همه ارکان و بخش‌های آموزشی است؛ درغیر اینصورت این تغییرات تنها در سطح شعار باقی مانده و به نتایج مطلوب نخواهد رسید.

نمونه بارز چنین وضعیتی، تغییر رویکرد آموزش زبان از روش‌های سنتی به رویکرد ارتباطی است. در این مورد فقدان نگرش سیستمی سبب شده است که به جای توجه کافی به فرایند ارزشیابی در طول ۶ سال تحصیلی، همه توجه‌ها و سخت گیری‌ها معطوف به آزمون نهایی در پایه دوازدهم شود. نهایتا به دلیل فقدان نگرش سیستمی شاهدیم که پس از برگزاری آزمون نهایی (پایه دوازدهم) از جانب دفتر تالیف صحبت از لزوم جدی گرفتن مهارت مغفول شنیداری درهمه پایه‌ها می‌شود.

تراکم بالای دانش آموزان در کلاس، عدم تفکیک و سطح‌بندی دانش آموزان در کلاس‌های زبان، عدم تجهیز مدارس و حوزه‌های امتحانی به امکانات صوتی مناسب، فقدان ارتباط و هماهنگی کافی میان کتب متوسطه اول و دوم، عدم ارسال سی دی‌های صوتی به مدارس و نرسیدن آنها به دست دانش آموزان تا پایان سال، فقدان دبیر تخصصی در برخی مناطق محروم، حذف دوره‌های تخصصی ضمن خدمت، تاخیرهای بعضا چند ساله در پرداخت حق الزحمه تصحیح اوراق نهایی و دهها معطل دیگر هرکدام به تنهایی قادر است تا در روند آموزش و سنجش تداخل منفی ایجاد کرده و مانع تحقق یافتن اهداف آموزشی شود. با وجود استرس‌های آزمون نهایی و ابهامات بی‌شمار مربوط به کنکور، معلمان به سختی قادر خواهند بود رویکرد ارتباطی در آموزش زبان انگلیسی را که مبتنی بر لذت یادگیری و یاددهی زبان خارجی است به طور شایسته در بین دانش‌آموزان بسط و گسترش دهند.

انتظاراتی به دور از واقعیت‌ها

در هیچ جای دنیا برگزاری آزمون شنیداری با امکانات موجود ما و به این شکل مرسوم نیست! با فرض محال وجود همه تجهیزات صوتی، پخش فایل صوتی آزمون درسالن‌های بزرگ در حوزه‌های امتحانی، فهم صدای پخش شده را عملا غیر ممکن می‌نماید. به همین دلیل است که در بعضی حوزه‌ها دانش‌آموزان حتی از فهم سخنان گوینده به زبان فارسی هم عاجز بودند! صحبت از سنجش شنیداری و تخصیص ۶ نمره به آن در حالی صورت می‌گیرد که مدت زمان تمامی فایل‌های صوتی در کتاب درسی انگلیسی دوازدهم پنج دقیقه و دو ثانیه (سیصد و دو ثانیه) است و پوشش آن در کتاب حدود ۳درصد حجم کل کتاب است اما ۶ نمره یعنی ۳۰ درصد کل نمره خرداد به آن تخصیص داده شده است. این مقدار محتوا به هیچ وجه برای آماده سازی دانش آموزان برای شرکت در آزمون نهایی بسنده نیست چرا که هیچ تناسبی بین محتوای ارائه شده و انتظارات آزمونی برقرار نشده است. البته مکالمه‌ها در همین فایل‌های صوتی هم لحن تصنعی داشته و فاقد جذابیت و گیرایی لازم هستند. در مهارت نوشتاری نیز با انتظاراتی به دور از واقعیت‌ها مواجه هستیم. نگاهی به کتاب‌های متوسطه اول و دوم نشان می‌دهد که رسیدن به سطح پاراگراف نویسی در این کتاب‌ها سیر طبیعی مناسب را نداشته و به جمله نویسی که پایه و اساس یک پاراگراف است توجه کافی نشده است.

بی‌عدالتی آموزشی

نگرانی‌ها از چنین سبک ارزش‌یابی، صرفا یک موضوع فنی یا علمی نیست بلکه عواقب فرهنگی و اجتماعی آن مسئله‌ای است که نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد. برای نمونه عدم وجاهت قانونی بخش شنیداری تا جایی است که دانش آموزان حتی می‌توانند با مراجعه به دیوان عدالت اداری درخواست ابطال آزمون ۱۳ خرداد ۹۸ را داشته باشند! از آنجا که به هنگام فروش کتاب درسی و کتاب کار در پایه‌های دهم تا دوازدهم، فایل‌های صوتی به هیچ شکلی در اختیاردانش آموزان در سراسر کشور قرار نگرفته است، محتوای شفاهی محتوای آموزشی رسمی محسوب نمی‌شود و گنجاندن آن در آزمون نهایی مغایر با اخلاق و اصول حرفه‌ای تعلیم و تربیت است. اساسا گنجاندن بخش شنیداری در آزمون نهایی وجاهت قانونی نداشته و اینکه خود دبیران از وبگاه دفتر تالیف و یا انتشارات متفرقه فایل‌های صوتی را بارگذاری نموده باشند، داوطلبان را ملزم به تکلیف شفاهی در آزمون نهایی نمی‌نماید.

همچنین از آنجا که بخش قابل توجهی از نمره خرداد (هفت و نیم نمره) یعنی حدود ۴۰ درصد آن عملا منوط به داشتن مهارت شنیداری و توانایی پاراگراف نویسی است - و با کتاب‌ها و فایل‌های صوتی ناکافی و توزیع نشده امکان تسلط در آنها چندان هم متصور نیست - این روش ارزشیابی، به متضرر شدن دانش آموزان طبقه محروم جامعه ازامتحان نهایی منتهی خواهد شد. با این اوصاف این سبک از طراحی و برگزاری آزمون نهایی علاوه برغیرعلمی وغیر کارشناسی بودن، متاسفانه سنگ بنایی جدید دربی عدالتی آموزشی را در سطح کشور رقم خواهد زد.

*** سرگروه درس زبان انگلیسی متوسطه دوم استان البرز**

منطق عجیب اینستاگرام

روزه داری مضر و خطرناک، اسلحه و قتل آزاد!

رضا صفری

شبکه اجتماعی اینستاگرام بعد از اقدام غیرموجه علیه سپاه پاسداران و مسدود کردن صفحات برخی مقامات بلند پایه کشور، مدیریت هدفمند نشر تصویر سیدحسن نصرالله، و همچنین نشر آزاد، بی‌در و پیکر و گستاخانه تصاویر مستهجن و محتویات خشن و مخرب برای دختران، پسران و خانواده‌ها، در یکی از آخرین اقدامات خود دست به اقدامی علنی علیه اعتقادات و مقدسات مسلمانان زد.

این شبکه اجتماعی در روزهای ماه مبارک رمضان، در اقدامی عجیب، هنگام جست‌وجوی هشتگ #fasting (روزه‌داری)، اخطاری با این مضمون به کاربرانش می‌داد:« جست‌وجوی شما مشوق رفتاری است که می‌تواند مضر باشد و حتی به مرگ منجر شود»!

هر چند توجیهات گوناگونی از سوی برخی افراد در این زمینه ذکر شده تا این اقدام اینستاگرام خیلی مورد توجه قرار نگیرد، اما چند نکته قابل تأمل که باید در این مورد گفته شود:

۱- جای هیچ‌گونه شکی نیست که بسیاری از پزشکان و اساتید دانشگاه‌های معتبر دنیا به فواید روزه‌داری تصریح کرده‌اند. حداقل گردانندگان اینستاگرام می‌توانستند تحقیق و یا تشخیص منجر به مرگ شدن روزه‌داری! را به عهده کاربران بگذارند. اما با نگاه به فعالیت‌های اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی خارجی پی می‌بریم که بحث فراتر از یک اظهار نظر ساده و بیان عقیده است. در واقع این اقدام، قطعه‌ای کوچک از آن جورچینی است که قرار است آرام آرام و خزنده توسط بدافزارهای استعمارگران تکمیل شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

« هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یاوری نخواهی داشت.» سوره بقره، آیه ۲۰.

به یقین اهداف امثال اینستاگرام با آن همه هزینه‌های سرسام‌آور در این اقدامات جزئی خلاصه نمی‌شود و مشت نمونه خروار است.

۱- این عمل نشان می‌دهد که دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی‌بیان و عقیده و همچنین احترام به مقدسات سایر جوامع که از سوی غربی‌ها مطرح می‌شود، بیشتر به شوخی شبیه است تا واقعیت. علاوه بر آن اقدامات مشابه نیز نشان می‌دهد که غربی‌ها خود از بزرگ‌ترین فیلترکنندگان دنیای مجازی هستند.

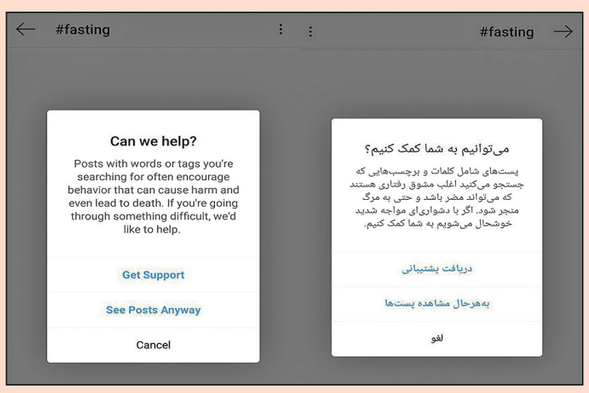

۲- بعد از گذشت مدتی از نمایش این پیام، در حال حاضر چنین پیامی برای کاربران ارسال نمی‌شود. این احتمال وجود دارد که بعد از آنکه اینستاگرام دیده است چنین کاری هزینه زیادی در پی دارد، این پیام را حذف کرده است. اما باز هم بسیاری از تصاویر و فیلم‌هایی که در مورد روزه‌داری برای کاربر بالا می‌آورد، هیچ ربطی به این فریضه دینی نداشته و بیشتر برای انحراف ذهنی مخاطبان از جست‌وجوی واژه اصلی است تا آنها را سرگرم کند. در واقع این کار همان مدیریت افکار نام دارد.

۳- جای بسی تعجب است که هشتگ‌هایی مثل #Suicide(خودکشی)، #Murder(قتل)، (#gun) اسلحه و... که مشوق رفتارهای مضر هستند و می‌توانند منجر به مرگ شوند، در همان زمان که این اقدام انجام شد و حتی هم اکنون نیز به‌راحتی در دسترس هستند، بدون اینکه کوچک‌ترین اخطاری به کاربران داده شود. اگر به گمان عده‌ای کلمه fasting، فقط به معنای روزه‌داری نیست، حداقل مشترک بین روزه‌داری و معنای دیگر که هست، چرا در برابر معانی صریح بالا مثل خودکشی، قتل و .... این اخطار از سوی اینستاگرام به کاربران داده نمی‌شود، اما در مورد یک کلمه مشترک - بنا به فرض- و آن هم در ماه مبارک رمضان - که ممکن است عده‌ای در سراسر دنیا به دنبال تحقیق در این زمینه باشند- این اتفاق می‌افتد؟

۴-اگر یک شبکه اجتماعی، این اقدام را که توهین به تمام مسلمانان دنیا محسوب می‌شود تا این اندازه علنی کرده و شمشیر از غلاف کشیده است، در پستوها و اتاق‌های مدیریت خود چه برنامه‌ای برای مبارزه با اسلام دارد و تا چه اندازه‌ای در این راه موفق بوده است؟

۵- با توجه به اسناد و شواهد موجود، شکی در این نیست که اینستاگرام و شرکت مادر آن یعنی فیسبوک و مؤسس آن، «مارک زاکربرگ»، نوکران ایالات متحده و صهیونیست‌ها هستند، اما چرا هنوز هم باید بعضی مسئولان کشور، به بهانه‌های واهی، سرسختانه از فحشاگرام آمریکایی_صهیونیستی حمایت کرده، پهنای باند و امکانات فضای مجازی کشور را در اختیار آن قرار داده و با انواع حیل سیاسی و غیرسیاسی از این بدافزار دفاع کنند؟ آیا با ادامه روند کنونی، حجم عظیمی از اقتصاد ناپاک بنگاه‌های اقتصادی صهیونیزم فراهم نمی‌شود؟

۶- به راستی با این حجم از فعالیت‌های ضداسلامی و ایرانی اینستاگرام و همچنین با توجه به مشاهده آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و امنیتی استفاده از این بدافزار در کشور، باز هم ادامه حیات فحشارسان اینستاگرام موجه است؟

اگر یکی از پیام‌رسان‌های ایرانی، هولوکاست را زیر سؤال برده و چنین برخوردی با صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها داشته باشد، آنها راضی می‌شوند که زمینه دسترسی میلیون‌ها نفر از مردم خود به آن پیام‌رسان ایرانی را فراهم کنند؟

جناب مسئول، لطفا عمیق‌تر نگاه کنید

به‌طور طبیعی و منطقی، هر شبکه اجتماعی که در کشور فعالیت می‌کند،

۱- باید بومی باشد.

۲- سرور آن در خاک کشور مستقر باشد.

۳- مدیریت و مکان فعالیت مجموعه آن در داخل کشور مشخص باشد.

۴- به قوانین کشور پایبند باشد.

۵- از اشاعه مطالب فاسد و مستهجن خودداری کند.

۶- در مورد حفظ حریم خصوصی بسیار مطمئن و نسبت به رعایت آن حساس باشد.

۷- مدیریت آن در برابر فعالیت‌های صورت گرفته در بستر مجموعه خود و همچنین سوءاستفاده‌های احتمالی باید پاسخگو باشد.

این موارد کم و بیش در کشورهای پیشرفته دنیا محل دقت نظر قرار گرفته و در برخی از کشورها اقدامات اساسی در این زمینه صورت گرفته است. متأسفانه در کشور ما نگاه به شبکه‌های اجتماعی معمولاً نگاه رسانه ارتباطی صرف است که در دنیای معاصر نگاه بسیار پیش پا افتاده و سطحی محسوب می‌شود. البته برخی مسئولان سطحی‌نگر نیز در تزریق این نوع تفکر به ذهن مردم بی‌تقصیر نبوده‌اند.

نگاهی به طرح برخورد پلیس با کشف حجاب در خودرو

بیم و امید در یک پیامک!

حسین رضائیان

براساس قوانین و اسناد بالادستی، بیش از ۶۰ دستگاه در حوزه حجاب وعفاف و بسط ارزش‌های الهی مسئولیت دارند. اینکه این مجموعه عظیم و مهم تا چه میزان به رسالت خود عمل کرده‌اند را می‌توان در کوچه وخیابان ملاحظه کرد و نیازی به هیچ پژوهش و پیمایشی هم نیست.

در عین حال نمی‌توان و نباید در مقابل هنجارشکنی و نادیده گرفتن ارزش‌های الهی سکوت کرد و بی‌تفاوت بود. نظام اسلامی همانگونه که مسئول معیشت، آزادی و رفاه مردم است، به همان اندازه مسئول هدایت به سوی خیرات و جلوگیری از انحراف از ارزش‌هاست.

در موضوع حجاب، گاه ممکن است شخصی غفلتاً یا از سر بی‌توجهی و تربیت نادرست، در رعایت این ضروری دین کوتاهی کند اما آنچه در مواردی به عنوان کشف حجاب دیده می‌شود، نه یک امر سهوی که حرکتی انتخاب شده و در مغایرت صریح با قانون وشرع و نیازمند برخورد قانونی و محکم است